

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم
بدین بوم و برزنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

مصاحبه ای با ش. "آهنگر"
۳۰ جولای ۲۰۱۷

باز می جوشد هریوا

قسمت اول

ماه سرطان یاد آور مبارزاتی است که در آن مردم هرات یکدست و یکپارچه با شرکت مستقیم ده ها هزار نفری شان در تظاهرات، به حمایت از فرزندان مبارز شان به میدان آمدند و از خواسته ها و سنگر مبارزاتی فرزندان دلیر و رزمنده خود در برابر نظام کور و مستبد سلطنتی در عمل به دفاع برخاستند .

ماه سرطان سال ۱۳۴۸ شمسی در هرات و تحت رهبری محفل نامدار و مبارز هرات که به نام "محفل رستاخیز" هم یاد می شد، مالا مال از شور مبارزه توده ئی بود. در این ماه چهره های مصمم، صادق و آگاه مبارزان "محفل هرات" مانند کریم، غلام محمد، حفیظ صارم، میرویس فراهی، کریم مستری و جمعی از دختران مکاتب ... به حیث گردانندگان و سخنوران ماهر در رهبری جنبش در هرات تبارز کردند و خوش درخشیدند. در همین ماه رژیم قرون وسطایی ظاهر شاه با دستپاچگی و هراس از حرکت مردم هرات، به سرکوب و حشیانه، زندان افکندن و تعقیب مردم و فرزندان مبارز شان پرداخته و لکه ننگی بردامانش حک نمود. عده ای از کادرها و رهبران و ده ها عضو "محفل هرات" همراه با جمعی از مردم، به زندان افتادند، شکنجه و تبعید شدند و حبس های طویل المدتی از طرف نظام مستبد سلطنتی بر آن ها تحمیل گردید. عده ای از رهبران محفل مجبور به ترک زندگی عادی و کار و تحصیل شان شده و به زندگی مخفی طولانی پناه بردند. تعداد زیادی اعضا و هواداران "محفل هرات" از مکاتب اخراج گردیدند و ...

شرح جریان این مبارزات مردم و رزمندگان هرات، صفحات زیادی از تاریخ مبارزاتی کشور ما را رنگین می سازد که کاری طولانی می خواهد، ولی می باید ثبت شود. عده ای از خوانندگان ما در این رابطه سوالاتی مطرح کرده و خواهان توضیح شده اند. ما در اینجا جهت توضیح بهتر آن مسایل، به انجنیر "آهنگر" که خودش یکی از اعضا و گردانندگان "محفل هرات" و در متن این حوادث بوده مراجعه کردیم و از او خواستیم تا شمه ای از این مبارزات را برای ما و خوانندگان ما شرح دهد.

پرسشگر "رزمندگان:"

انجنیر صاحب "آهنگر" لطف کنید مقداری مختصر روی علل وانگیزه های پیدایش جنبش ماه سرطان هرات توضیح بدهید .

آهنگر: سؤال تان خیلی جامع است. شرح علل پیدایش هر جنبشی، من جمله جنبش ماه سرطان ۱۳۴۸ شمسی هرات نیاز به تحلیل وضع کامل جامعه، ماهیت نظام و ... دارد که به هیچ وجه در یک صحبت مختصر نمی گنجد. با اینحال برای این که سؤال تان بی پاسخ نماند بحر را در کوزه نه، که در کوزه چه، می ریزیم تا قسمت یک روزه از آن بیابیم.

نظام سلطنتی افغانستان که بر بنای سیستم تولیدی قرون وسطائی فئودالیده با همدستی مشتی تاجر دلال پایه ریزی شده بود، در نتیجه فرسودگی و ناتوانی اش، برای حفظ خود، روز تاروز به دامن امپریالیسم جهانی (سوسیال امپریالیسم و امپریالیسم) سقوط می کرد و بیشتر وابسته می شد. مناسباتی را که چنین یک نظام فرسوده و وابسته باستمگری مضاعف درونی و بیرونی بر جامعه تحمیل می کرد، در همه عرصه های تولید، توزیع، مصرف و روابط اجتماعی و فرهنگی و ... مناسبات ظالمانه ای حاکم بود که روز تاروز بر فقر و تنگدستی مادی و معنوی مردم و بالآخر نارضایتی آن ها می افزود. میلیون ها انسان برای به دست آوردن کار جهت تأمین قوت لایموت، راهی ایران و کشورهای عربی می شدند. درست است که در آن زمان جنگ نبود، اما واقعیت اینست که مردم در یک حالت مرگ تدریجی به سر می بردند.

چنان که در سال ۱۳۵۱ شمسی در حوزه غرب افغانستان هزاران خانواده از اثر قحطی و گرسنگی، مانند دوران اولیه زندگی بشر در عصر حجر، به خوردن گیاه ها و ریشه گیاه ها متوسل شده بودند و هزاران نفر از گرسنگی به کام مرگ فرو رفتند. من خودم به چشم خود اجساد را که از گرسنگی مرده بودند، در شهر هرات دیده ام.

صدها خانواده، اطفال جگرگوشه شان را یا به قیمت ناچیزی فروختند و یا همچنان برای زنده ماندن شان در دروازه های خانه های مردم مستعد تر رها ساختند و رفتند؛ میلیون ها انسان این سرزمین، حتی لقمه نان بخور و نمیر هم نداشتند، چه رسد به رفاه و آسایش و تحصیل و درمان ... فقط آسوده حالان حسرت آن روزها را می خورند.

از نظر سیاسی نیز طی سالیان درازی، نظام با استبداد مطلق حاکمیت می کرد. مبارزان دموکرات را در سال های ۳۰ شمسی سرکوب و به زندان ها و سیاه چال ها انداخت و صدای دموکراسی خواهی را برای سال های دیگر خفه کرد.

در سال ۱۳۴۴ شمسی جنبش سوم عقرب را در کابل به خون کشید و ...

شما می دانید که با سرکوب، خواسته ها نه تنها حل نمی شود بلکه خواسته های دیگری بر آن افزوده می گردد و فریادهای گره شده کانال خروج می جویند و وقتی مسیر باز در سطح برای تبارز نیابند، به عمق می روند و در اعماق ریشه می گیرند و سپس با رشد بیشتر بیرون می جهند. اینجاست که محافل و سازمان های مخفی مبارز شکل می گیرند و مبارزه در اعماق جریان می یابد تا راهش را به برآمد علنی باز کند.

در آستانه و بعد از سرکوب جنبش سوم عقرب ۱۳۴۴ شمسی در کابل، محافل و نهادهای مبارزاتی مخفی در افغانستان به تشکل و مبارزه شان سرعت بخشیدند و می بایست به مراحل دیگری از مبارزه دست یابند، که "محل هرات" هم در همین زمان ایجاد می شود و به کارهای مبارزاتی متناسب با وضع خود و محیط زندگی اش آغاز می کند. جهان هم درکل در این سال ها به کوره داغ مبارزات آزادیخواهانه خلق ها بدل شده بود.

با این حال نظام مردود و تاریخزده سلطنتی پاسخگوی نیاز زمان نبود و می بایست تغییراتی را می پذیرفت، لذا تحت تأثیر عوامل متعدد داخلی و خارجی، مجبور به نمایش دموکراتیک شد و حداقل، حق تظاهرات و اجتماعات را که در ماده سی و یکم قانون اساسی اش به کاغذ کشیده بود، باید در عمل به رسمیت می شناخت.

این عوامل، که بحرش را در کوزه ریختیم، می توانند عوامل اصلی تبارز جنبش ها و تظاهرات در کشور ما و من جمله در ولایت هرات باشند. البته جنبش دهم سرطان ۱۳۴۸ شمسی انگیزه های خاص خود را دارد که به طور مشخص از این قرار است:

ادامه دارد